

گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی با مبارزات کارگران و زحمتکشان جهان

کارگران همه کشورها متحد شوید!

مردم

ارکان تبلیغی و ترویجی حزب توده ایران

شماره 14 ، 6 اردیبهشت ماه 1392

برنامه حزب را بیاموزیم

احمد قره باغی

تشکیل "جبهه" بچه معنا است مضمون و محتوای آن چیست؟

در بحث پیرامون مفهوم "جبهه" ما کوشیده‌ایم جنبه‌های مهم این مقوله اجتماعی و سیاسی را بر پایه احکام و مبانی حزب توده ایران به اختصار بیان کنیم.

در باره موضوع "جبهه" باید بگوئیم جبهه به مفهوم عام آن عبارت است از زمانی که طبقات مختلف شرکت‌کننده در آن با حفظ موضع طبقاتی خود بر سر یک برنامه مشترک به توافق برسند. برای حزب توده ایران جبهه غیر طبقاتی نیست. حزب ما در این زمینه اصول اساسی و انقلابی مارکسیسم را مدنظر دارد که مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست چنین نوشته‌اند:

"کمونیست‌ها در راه هدف‌ها و منافع فوری طبقه کارگر مبارزه می‌کنند، ولی هم زمان با آن در جنبش امروزی از فردای جنبش نیز دفاع می‌کنند....
کمونیست‌ها همه‌جا از هر جنبش انقلابی که ضد نظام اجتماعی و سیاسی موجود باشد پشتیبانی می‌کنند....
کمونیست‌ها همه‌جا برای برقراری اتحاد و توافق میان احزاب دموکرات همه کشورها جهد می‌ورزند."
(مارکس و انگلس. مانیفست حزب کمونیست. ترجمه محمد پورهرمزان. انتشارات حزب توده ایران ص 69-71)

در این جملات وظیفه کمونیست‌ها در پیوند با همه جنبش‌های انقلابی و دموکراتیک و دفاع از منافع طبقه کارگر و ضرورت برقراری اتحاد با نیروهای دموکرات بیان شده‌است و بر این مبنا در برنامه حزب توده ایران اتحاد نیروهای مترقی و دموکراتیک در جبهه واحد با برنامه مشترک به معنای دفاع از منافع طبقه کارگر و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا که در سرلوحه مبارزه حزب توده ایران قرار دارد از این جملات مانیفست سرچشمه می‌گیرد. در نوشته حاضر فشرده به این احکام در برنامه و اسناد حزب نیز اشاره می‌کنیم.

در صفحات دیگر:

تشکیل "جبهه" بچه معنا است مضمون و محتوای آن چیست؟ در ص 1
ضرورت اتحاد برای ایجاد جبهه واحد نیروهای ملی و دموکراتیک در ص 1
از ایران چه خبر در ص 4

ضرورت اتحاد برای ایجاد جبهه واحد نیروهای ملی و دموکراتیک

در مرحله کنونی حزب ما مبارزه با رژیم "ولایت فقیه" به قصد برانداختن و طرد مظاهر آن از جامعه ایران را وظیفه اساسی خود می‌شمارد و امر تشکل و سازماندهی توده‌ها و در درجه اول طبقه کارگر را در راس مبارزه خود قرار داده است. برای دستیابی به این هدف چنانکه در برنامه حزب نیز تصریح گردیده حزب ما در راه اتحاد با نیروهای مترقی و دموکراتیک برای رسیدن به اهداف ملی و دموکراتیک، در راه ایجاد جبهه واحد نیروهای ملی و مترقی که اتحاد کارگران و دهقانان استخوان‌بندی چنین جبهه‌ای است مبارزه می‌کند.

برای حزب توده ایران در شرایط ویژه کنونی کشور مهمترین وظیفه در برابر جنبش انقلابی، سازماندهی و تشکل نیروها برای برانداختن رژیم استبداد مذهبی قرون وسطایی است. استراتژی موردنظر برنامه حزب ما، ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری را شرط اساسی برانداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" برای نوسازی و پیشرفت جامعه می‌داند. از این دیدگاه معنی مشخص جبهه در انطباق با برنامه حزب ما نه به معنی تشکیل جبهه با احزاب و جریان‌های بورژوازی بزرگ وابسته بلکه به معنی اتحاد و تشکیل جبهه واحد با نیروهای سیاسی دموکراتیک و ملی جامعه یعنی کارگران، دهقانان، خرده‌بورژوازی شهر، روشنفکران میهن‌پرست و مترقی و لایه‌های از بورژوازی کوچک و متوسط تکیه می‌کند. در شرایط کنونی که تضادهای موجود در جامعه منبع گسترش نارضایتی توده‌های میلیونی است باید شرایط عینی و ذهنی را برای جنبش انقلابی ایجاد کرد. در زمینه شرایط عینی در جامعه ما، باید بگوئیم با در نظر گرفتن مسائلی چون بحران عمیق اقتصادی-اجتماعی و تشدید نارضایتی توده‌های محروم به مثابه عوامل موثر در براندازی رژیم، به نظر ما شرایط عینی در جامعه وجود دارد. البته بدون عامل ذهنی جنبش زمینه برای برانداختن رژیم فراهم نیست. عدم تشکل و تفرقه نیروها مانع بسیج توده‌ها برای رویارویی با رژیم می‌شود. در شرایط مشخص تاریخی کشور ما که یک حزب یا سازمان سیاسی قادر نیست به تنهایی حکومت کهنه قرون وسطایی را ساقط سازد ضرورت تشکیل جبهه واحد از احزاب و سازمان‌های ملی و مترقی نیز از اینجا نشات می‌گیرد. باید تاکید کنیم در شرایط کنونی، میهن ما لحظات حساس و سرنوشت‌ساز را می‌گذراند و به همین سبب وظیفه عمده‌ای در برابر حزب ما و مبارزان راه طبقه کارگر قرار دارد. در چنین شرایطی اعضاء و هواداران حزب

ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری شرط اساسی برانداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است.

و طیف‌رنگارنگ آنها که حاکمیت رژیم را قبول دارند قرار گرفتند. حال در این مقطع آنها اصرار دارند با نمایندگان این جریان مدافع سرمایه‌داری وابسته تشکیل جبهه دهند تا در صف آنها قرار گیرند. عناصر سازشکار ایجاد چنین جبهه‌ای را وابسته به یک طرف می‌کند و از مبارزان ضد رژیم طلب می‌کند زیر پرچم بورژوازی گرد آیند تا نمایندگان بورژوازی را زیر پوشش "جنبش سبز" و یا فلان رهبر جنبش!! در صحنه سیاست کشور حاکم گردانند. ولی این موضع‌گیری برخلاف ادعایشان متناقض با شعار طرد رژیم "ولایت‌فقیه" بوده و هست.

برای اینکه نظر واقعی و عقیده باطنی عناصر سازشکار به مبارزان توده‌ای و دوستان و هواداران حزب ما نمایانده شود. به نشریه کنونی "نامه مردم" مراجعه می‌کنیم تا ببینیم آنها درباره موضوع "جبهه" مربوط به حزب طبقه کارگر چه عقیده‌ای دارند. در مورد عدم توافق بر سر تشکیل جبهه از جانب قشر معینی از نمایندگان سرمایه‌داری بزرگ وابسته چون اصلاح‌طلبان، این مسئله موجب نگرانی عناصر سازشکار شده است و در این باره نشریه کنونی "نامه مردم" (شماره 907، 15 آبان ماه 91) پیشنهادهایی را مطرح کرده که بیگانه با واقعیت‌های عینی جامعه ماست و مصداق روشن صداهایی است که از تیمارستان برمی‌خیزد. در این نشریه چنین گفته شده است:

"تلاش مستقیم و هدفمند در ایجاد شرایط عینی‌وذهنی در راستای اصلاح واقعی قانون اساسی، یعنی برجسته کردن نقش محوری مردم با طرد اصل ولایت فقیه مهمترین قدم رفرمیستی اصلاح‌طلبان بشمار می‌آید. تغییر توازن اقتصادی، همگی برآمده از سیاست اشتباهی بوده است که ضرورت گذر از ولایت فقیه با تکیه به نیروی مردم و تغییرات بنیادی اجتماعی-اقتصادی زحمتکشان را در دستور کار خود نداشته است. ادامه این راه در شرایط حاضر یعنی عقیم کردن مبارزه مردمی که بصورت دانسته و یا نادانسته در کنار "پروژه‌های ال‌ترناتیو سازی" از خارج کشور و تلاش‌های رژیم ولایتی، برای حذف جنبش مردمی نتیجه واحدی به دنبال خواهد داشت."

در این جملات که درکی از مسایل جامعه ندارد، می‌خواهد اصلاح‌طلبان را به تشکیل جبهه ضد دیکتاتوری با طبقات و قشرهای زحمتکش جامعه راغب کند. در این جملات روی اصلاح قانون اساسی رژیم و طرد اصل ولایت فقیه، البته نه طرد رژیم "ولایت فقیه" و قانون اساسی آن تکیه کرده و بمنزله شعار برای تشکیل جبهه به عنوان مهمترین قدم رفرمیستی آنان تاکید شده است. علاوه بر این سمت‌گیری و عملکرد اصلاح‌طلبان در تغییر توازن اقتصادی کشور بخاطر منافع سرمایه که انباشت حجم نقدینگی عظیمی را در دست مشتی سرمایه‌داران غارتگر متمرکز ساخت و در واقع خدمت به ضدانقلاب و امپریالیسم جهانی بود. اشتباه جریان اصلاح‌طلب قلمداد می‌شود و خیانت آنها به اهداف انقلاب بهمین 57 و خواستهای توده‌ها، سازش و همدستی با طبقات ارتجاعی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، سمت‌گیری و نگاه‌داری مالکیت فئودالی و نظام سرمایه‌داری وابسته به انحصارهای امپریالیستی، ادامه جنگ خانمانسوز، یورش سبعانه رژیم به حزب توده ایران و سرکوب نهضت انقلابی که با توافق همه گروه‌ها و جناح‌بندی‌های در حاکمیت رژیم انجام گرفت، اعدام نظامیان توده‌ای و کشتن اعضای حزب توده ایران زیر شکنجه‌های قرون وسطایی و کشتار هزاران نفر از مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در زندان‌های رژیم در تابستان سال

نباید دست روی دست بگذارند و در انتظار "ظهور" جو انقلابی باشند. باید با درک شرایط موجود کشور و رعایت اکید موازین پنهانکاری در راه تداوم مبارزه حزب در هسته‌های مخفی حزبی متشکل شوند و در روند مبارزه برای برانداختن رژیم دستیابی به این امر فقط با تشکل و سازماندهی توده‌ها و جهت‌مشخص‌دادن به مبارزه آنها امکان‌پذیر است.

در اینجا تذکر این نکته لازم است که در شرایط کنونی حزب ما به اصل عدم تمرکز سازمانی معتقد است و آن را در فعالیت سازمانی خود مد نظر دارد. در مبارزه برای برانداختن رژیم می‌توان و باید از همه اشکال مبارزه بسته به شرایط مشخص استفاده کرد. در شرایط ترور و اختناق حاکم که تشکل کارگران در سازمانهای صنفی-اتحادیه‌ای با مسایل امنیتی روبرو است، در چنین شرایطی سازماندهی کارگران پیشرو در هسته‌های مخفی بقصد تداوم مبارزه در راه تامین منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ضرورت دارد. نباید از نظر دور داشت که مدافعان حفظ موجودیت رژیم متشکل هستند. آنها ماشین دولتی سرکوب را در دست دارند از اعمال قهر علیه مبارزان راه آزادی و استقلال کشور برای حفظ منافع طبقات حاکم ارتجاعی کلان سرمایه‌داران بازاری، بورژوازی بروکراتیک و زمین‌داران بزرگ در راس آنها روحانیون حاکم که ادامه حیاتشان بستگی به ترور و اختناق دارد، بهره می‌گیرند. هیئت حاکمه ارتجاعی بسهولت از چپاول درآمد ملی کشور و غارت دسترنج زحمتکشان دست‌بردار خواهد بود. آنها برای بقا رژیم و حفظ منافع خود بهر جنایتی آن هم در کثیف‌ترین اشکال آن دست می‌زنند. ولی این توده‌ها هستند که هم‌روند با گسترش جنبش انقلابی و تشدید بحران‌های اقتصادی و سیاسی سرنوشت نهایی رژیم را تعیین خواهند کرد. به همین دلیل تجهیز توده‌ها تشدید و گسترش مبارزه آنها و هم‌آهنگی این پیکار در سراسر کشور می‌تواند نقش تعیین کننده داشته باشد. برای درهم شکستن مقاومت رژیم باید توده‌ها را تجهیز کرد. جبهه واحد در صورت تشکل می‌تواند طیف وسیعی از مردم را به سوی هدف واحد سوق دهد. بدون تشکل و بدون سازماندهی توده‌ها به‌مثابه عامل ذهنی جنبش نمی‌توان بر دشمن فائق آمد. چنین تشکلی فقط با وحدت عمل نیروهای مترقی و دموکراتیک امکان‌پذیر است.

درباره ضرورت اتحاد عمل نیروهای مترقی و دموکراتیک خاطر نشان سازیم که جنبش ضد استبدادی و آزادیخواهانه مردم میهن ما جنبه دموکراتیک عام دارد یعنی خواست آزادی و دموکراسی و خاتمه دادن به رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" قشرهای وسیع خلق را با هم متحد می‌سازد. به همین سبب حزب توده ایران همواره خواهان آن است تا با تمام جریان‌های سیاسی مترقی و دموکراتیک که در این مرحله از تحول ذینفعند همکاری کند.

حال ببینیم کسانی که خود را زیر نام حزب توده ایران پنهان کرده‌اند در این باره چگونه می‌اندیشند و در چه موضعی هستند. چنانکه می‌دانیم عناصر سازشکار رفرمیست تحت نام حزب ما با درپیش گرفتن سیاست رفرمیستی همکاری با اصلاح‌طلبان را به سیاست محوری خود بدل کردند و با موضع‌گیری در صفت نیروهای راست‌گرا مدافع سرمایه‌داری امپریالیستی

مبارزان توده‌ای!

کشور ما در شرایط حساس و وضع فوق‌العاده‌ای قرار دارد.
برای تداوم فعالیت حزب در داخل کشور در هسته‌های مخفی
حزبی متشکل شوید.

1367 را نادیده می‌گیرد و با این تصور و نظر معیوب شتر، گاو، پلنگ، تشکیل جبهه با نیروهای خیانتکار و ضعیف در یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری توجیه می‌شود.

حاملان این نظرات که مدعی رهبری بوده‌اند با معنا و مفهوم مقولات جبهه و تحول بنیادی جامعه آشنا نیستند و تحت تاثیر ایدئولوژی بورژوایی قرار دارند. در این جملات آنها در دو مسئله عمده یکی تشکیل جبهه و دیگری تغییرات بنیادی اجتماعی-اقتصادی، ماهیت طبقاتی جریان‌های بورژوایی در کشور ما را انکار می‌کنند و چنان وانمود می‌کنند که گویا نمایندگان این نیروهای سرمایه‌داری بزرگ وابسته به عنوان رهبران جنبش کنونی ایران به نام جنبش سبز خواهان انجام تمام اهداف انقلاب ناتمام بهمن 57 هستند!! و می‌خواهند اهداف انقلاب ناتمام بهمن 57 را تحقق بخشند. بنابراین متحدین طبقه کارگرند.

برای اینکه به روش خرابکارانه این عناصر سازشکار آن هم زیر نام حزب توده ایران پی برد، خوب است به ترکیب استقرار حاکمیت پس از انقلاب بهمن 57 اشاره کنیم و ببینیم عملکرد نمایندگان این طبقات و قشرهای گوناگون در قبال تحقق اهداف انقلاب و خواست‌های توده مردم زحمتکش چگونه بوده است.

در این ارتباط باید یادآور شد که بعد از انقلاب حاکمیت به نمایندگان بورژوازی تجاری، لایه‌هایی از بورژوازی صنعتی، بخشی از زمین‌داران و خرده‌بورژوازی انتقال یافت. روحانیون و نیروهای تشکیل دهنده حاکمیت با ایجاد جو فشار و ارباب نه تنها مانع فعالیت علنی احزاب و سازمان‌های مترقی و دموکراتیک شدند بلکه تمام گروه‌ها و نیروهای مذهبی در حاکمیت به سبب سرشت طبقاتی و عرق مذهبی موضع خصمانه و یگانه‌ای نسبت به حزب توده ایران داشتند.

پس از رویدادهای انقلاب جناح خرده‌بورژوازی محافظه‌کار که عمدتاً از اقلیت مرفه و نیمه مرفه خرده‌بورژوازی بودند از ترس تداوم انقلاب به بورژوازی پیوست و به آماج‌های انقلاب خیانت کرد.

با قبضه انحصاری حاکمیت توسط خمینی و اطرافیان در رویدادهای سال 1360 مخالفت و خصومت با پیروان سوسیالیسم علمی و جنبش کارگری ایران و تلاش برای منع فعالیت حزب توده ایران در صحنه سیاست کشور مختص همه نیروهای مذهبی حاکم بود و خمینی آنها را به وحدت با یکدیگر فرا می‌خواند.

ادامه جنگ همراه با سیاست ضددموکراتیک هیئت‌حاکمه و سازش میان جناح محافظه‌کار خرده‌بورژوازی با بورژوازی تجاری، تناسب نیروهای سیاسی را به زیان نیروهای مدافع آماج‌های انقلاب تغییر داد. پس از استقرار نظام استبداد مذهبی و یورش وحشیانه رژیم به حزب توده ایران که در جهت گرایش بسوی امپریالیسم از جانب هیئت حاکمه بود، این جناح با نمایندگان و وابستگان سرمایه‌داران و مالکان در راس آنها روحانیون در هیئت حاکمه زمام حکومت را در دست داشتن و صاحب ثروت عظیمی شدند و کشور را در منجلاب عمیق ورشکست اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و ایدئولوژیک فروبردند و در مقابل خرده‌بورژوازی رادیکال قشر میلیونی کسبه و پیشه‌وران که بخش عمده حامیان رژیم پس از انقلاب بودند هم اکنون تحت فشار اقتصادی و مالی ناشی از بحران ساختاری رژیم است و از لحاظ اجتماعی جزء قشرهای متوسط و پائین جامعه‌اند و از مخالفان بالقوه رژیم بشمار می‌روند. این لایه خرده‌بورژوازی می‌تواند در مرحله کنونی تحول به متحد طبقه کارگر مبدل گردد.

باید خاطر نشان ساخت پس از پیروزی انقلاب، در جریان روند انقلاب خرده‌بورژوازی سنتی در کشور ما به دو گروه محافظه‌کار و رادیکال تقسیم شد. با تحول در آرایش طبقاتی جامعه طی دهه‌های اخیر تغییرات محسوسی در ماهیت گروه خرده‌بورژوازی محافظه‌کار بوجود آمد و از نظر اجتماعی به مقاطعه‌کاران بزرگ و کلان سرمایه‌داران و "میلیاردرهای نوحاسته" تبدیل شدند. امروز تفاوت ماهوی این جریان حامی سرمایه‌داری وابسته در کشور ما با اقلیت زحمتکش جامعه بخوبی نمایان شده‌است. آنهایی که واقعیت را درک نمی‌کنند و با نادیده گرفتن واقعیات موجود جامعه ضرورت اتحاد و تشکیل جبهه را با جریان‌ها و گروه‌های اصلاح‌طلب پیش می‌کشند و می‌کوشند این جریان‌های بورژوایی را ملی و دموکراتیک جا بزند که گویا نماینده قشرهای زحمتکش یعنی اکثریت مطلق مردم است!! در این ترفند موافق نمی‌شوند.

حزب ما در اسناد برنامه‌های خود متحدان طبقه کارگر در مرحله کنونی تحول را تعیین کرده‌است و به هیچ وجه معتقد به پیوند گروه‌ها و جریان‌هایی مانند جنبش سبز و اصلاح‌طلبان و لیبرال‌ها با قشرهای زحمتکش نبوده و نیست. حزب ما پایان دادن به رژیم "ولایت فقیه" را ممکن می‌داند و در این راه ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری با نیروهای ملی و دموکراتیک را شرط ضرور بر انداختن رژیم می‌داند. در این رهگذر معیارها و ارزش‌های ما بیش از هر چیز به یک سیاست طبقاتی مشخص استوار است. ما دوستان و دشمنان خود را بر اساس این سیاست طبقاتی مرزبندی می‌کنیم. در مرحله کنونی باید به آنچه نیروهای ملی و دموکراتیک را متحد می‌کند تکیه کرد و زمینه را برای بر انداختن رژیم و تغییر سیستم سیاسی حاکم بر کشور فراهم آورد.

جمع‌بندی کنیم: چنانکه ملاحظه می‌شود اکنون متحدان عناصر سازشکار انتخاب و تعیین شده‌اند. آنها به جای نیروهای مترقی و ملی روی گروه‌ها و محافل نظیر شورای جنبش سبز و اصلاح‌طلبان رژیم تکیه می‌کنند و تمام هم خود را صرف ایجاد اغتشاش فکری در میان مبارزان ضد رژیم می‌کنند. و این در حالی است که سازشکاران در شرایط ترور و اختناق رژیم "ولایت فقیه" طرح اصلاح قانون اساسی را یگانه راه دستیابی به جبهه با اصلاح‌طلبان می‌دانند. اصلاح قانون اساسی و منشور جنبش سبز پاسخگوی واقعیات اجتماعی کشور ما نمی‌توانند باشند. کسانی که عقاید انحرافی خود را به نام حزب توده ایران در نشریات "نامه مردم" و "راه توده" تبلیغ می‌کنند و با این روش احکام و مبانی حزب ما را زیر سوال می‌برند حاکمیت رژیم کنونی را قبول دارند.

ما توده‌ای‌ها در راه سوسیالیسم و استقرار یک جامعه عادلانه و آزاد و در عین حال در راه تحقق برنامه و مشی سیاسی حزبمان که با مصالح توده‌های زحمتکش و خلق‌های ساکن ایران پیوند دارد مبارزه می‌کنیم و مواضع سازشکارانه و عقاید انحرافی به نام حزب توده ایران از جانب نشریاتی مانند "نامه مردم" و "راه توده" که هیچ وجه مشترکی با برنامه و سیاست اصولی حزب توده ایران ندارد را افشا می‌نمائیم.

کنه مسئله حزب ما با این جریان‌های انحرافی در اینجاست که حزب ما روی پایان دادن به مناسبات غارتگرانه سرمایه‌داری وابسته و به ویژه پایان دادن به حاکمیت رژیم یعنی حاکمیت کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمین‌داران در راس آن "ولایت فقیه" و روحانیون حاکم، در راه سعادت مردم و اعتلای کشور و جامعه ایران که یکی از هدف‌های حال و آینده حزب ماست و منطبق با ضرورت رشد جامعه ما بوده و هست تاکید می‌کند. سازشکاران در مسیر نگاهداری اقتصاد سرمایه‌داری در ایران و

احتمالاً نصف شود یک راه برای تامین درآمدهای دولت افزایش نرخ ارز است. یعنی ارز 1200 تومانی دو برابر شود. بنابراین میزان درآمدهای حاصل از فروش نفت در همان سطح سابق باقی می‌ماند. او خاطرنشان کرد: با بالا رفتن قیمت ارز هزینه‌های دولتی هم بالا می‌رود. مثلاً هزینه‌هایی که دولت قبلاً با قیمت ارز 1200 تومان تامین می‌کرده، الان با قیمت بالاتر تامین می‌شود. بنابراین دولت ناچار است ریال بیشتری برای این نوع کارها هزینه‌کند. به‌رحال در شرایط کنونی هر راه حلی عوارضی دارد." (دنیای اقتصاد، 91/10/17)

با توجه به کاهش صادرات نفت به 800 هزار بشکه در روز و عدم تحقق درآمد نفتی در حدود 50 میلیارد دلار، منابع درآمدی بودجه سال آینده با دشواری جدی مواجه شده و دست‌اندرکاران اقتصاد رژیم جهت جبران این کسری بودجه عظیم چاره‌ای جز چاپ اسکناس بدون پشتوانه نخواهند داشت. در حال حاضر ذخیره ارزی 100 میلیارد دلاری رژیم و نیز فروش ارز در بازار سیاه به قیمت بالا تا حدودی خواهد توانست این کمبود درآمد نفتی را در کوتاه مدت جبران کند. ولی پس از صرف ذخیره ارزی موجود و در ادامه تشدید تحریم‌ها در حالی که درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز و دیگر منابع درآمدی رژیم برای دولت قابلیت نقد شدن نخواهد داشت تا دولت بتواند برای تامین 6 هزار قلم کالاهای موردنیاز کشور، به گفته اسدالله عسگرآلادی دولت توسط بانک مرکزی باید روزانه 250 میلیون دلار از فروش نفت را برای خرید کالاهای مورد نیاز کشور از خارج اختصاص دهد و این مبلغ ارز را برای بازرگانان و تجار غارتگر تامین کند. در چنین وضعیتی رژیم چه سیاستی را در پیش خواهد گرفت. امری است که بر خود سران رژیم و مجموعه دست‌اندرکاران آن روشن نیست.

• مدیر عامل شرکت پشتیبانی امور دام از "ذخیره‌سازی 110 هزار تن گوشت مرغ و گوشت قرمز خبر داد." (رسالت 91/10/17)
تلاش رژیم در این راستا است که با خرید کالاهای اساسی و ذخیره کردن آنها بتواند در برابر تحریم‌ها که سال آینده شدیدتر خواهد شد، مقاومت کند. تلاشی که ادامه آن سرنوشتی مانند عراق در سال‌های 92 تا 2008 خواهد بود.
مثل فروش نفت در مقابل غذا

رفقا و دوستان گرامی!
"مردم" ارگان تبلیغی و ترویجی حزب توده ایران را در کشور پخش نمایند. پخش و تکثیر "مردم" در ایران یک وظیفه انقلابی است.

ایجاد وحدت و تشکیل جبهه با نمایندگان سیاسی بخشی از سرمایه‌داری بزرگ وابسته و اصلاحات در چارچوب رژیم می‌باشند.
ما می‌گوئیم رژیمی که بر پایه نظام سرمایه‌داری در ایران حاکم است، نمی‌تواند کشور ما را به راه پیشرفت و بازسازی اقتصادی هدایت کند. ما معتقدیم که تنها راه دگرگون کردن شرایط غیرانسانی و جهنمی در ایران، تعویض رژیم "ولایت فقیه" با یک حکومت ائتلاف ملی با شرکت همه نیروهای مترقی و آزادیخواه است.

از این رو خط مشی سیاسی حزب ما در جهت دفاع از منافع طبقه کارگر و زحمتکشان در راه ایجاد جبهه با نیروهای مترقی و دموکراتیک علیه رژیم استبدادی "ولایت فقیه" برای تحقق و تامین آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی و صلح قرار دارد. سازشکاران به دنبال ایجاد جبهه با نمایندگان سرمایه‌داری بزرگ وابسته هستند و آن را به خط سیاسی خود مبدل کرده‌اند و برای تحقق آن در کنار بخشی از نمایندگان بورژوازی وابسته موصوفه رهبران جنبش‌سبز و جناح رفسنجانی قرار گرفته‌اند. ما اقتدار متوسط و پائین خرده‌بورژوازی را متحد طبیعی طبقه کارگر می‌دانیم و با این اقتدار آماده هرگونه همکاری در مبارزات ضد استبدادی و دموکراتیک به نفع زحمتکشان هستیم. این معیار و ملاک طبقاتی مبتنی بر تحلیل شرایط عینی جامعه ایران است و در جهت‌گیری در تاکتیک و استراتژی حزب تعیین‌کننده بوده و هست و عملکرد و اسناد حزب ما مؤید این واقعیت است.

ریشه اصلی سیاست و موضع‌گیری عملی جریان‌های انحرافی بر مبنای آشتی طبقاتی و اصلاح از درون در چارچوب رژیم حاکم می‌باشد.

چنین است خصلت عمومی و عملکرد این جریان‌های انحرافی. 91/12/18

در راه سازمانگری انقلابی علیه ویرانگری ضدانقلابی مبارزه کنیم

از ایران چه خبر

در نتیجه عدم اجرای قطعنامه‌های آژانس بین‌المللی اتمی و شورای امنیت و در ادامه فعالیت‌های اتمی رژیم "ولایت فقیه"، تحریم فروش نفت منجر به کاهش درآمدهای رژیم از صدور نفت گردیده است. وزیر پیشین اقتصاد دانش جعفری در این زمینه گفت:

"یکی از راهکارهای پیش روی دولت برای افزایش درآمدهای ناشی از فروش نفت تعیین نرخ ارز در محدوده بالاتری از نرخ کنونی در بودجه است. با تبدیل ارز حاصل از صادرات نفت به ریال در سطحی بالاتر از نرخ‌های کنونی بخشی از مشکل کاهش منابع حل خواهد شد. به‌طورمثال در سال گذشته قیمت ارز حول و حوش 1200 تومان در بودجه در نظر گرفته شده بود. اگر درآمدهای نفتی ما در سال آینده

Mardom promotional organ of the Tudeh party of Iran No.14 26 April 2013

آدرس سایت: www.rahehezb.blogspot.com

آدرس پست الکترونیکی: rahehezb@gmail.com